

بررسی اهداف و استراتژی‌های شورای همکاری خلیج فارس

در زمینه توسعه اقتصادی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی

سلیمان قاسمیان

سرپرست اداره تدوین برنامه کلان اداره کل برنامه ریزی استراتژیک

مقدمه

شورای همکاری خلیج فارس (GCC) در ۲۵ ماه می سال ۱۹۸۱ با عضویت ۶ کشور بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی تشکیل شد. سپس در ۱۱ نوامبر ۱۹۸۱ موافقت‌نامه همکاری‌های اقتصادی بین این کشورها امضا شد. در حال حاضر یمن نیز در حال مذاکره جهت پیوستن به این شورا است و امیدوار است تا سال ۲۰۱۶ به این جمع بپیوندد.

بازار مشترک GCC در اول ژانویه سال ۲۰۰۸ افتتاح شد. این بازار از کلیه شرکت‌های فعال حوزه GCC حمایت نموده و تعرفه‌های تجاری و موانع گمرکی به روی تمامی کالاهای این کشورها برداشته شده است. در ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ کشورهای عربستان سعودی، کویت، بحرین و قطر ایجاد شورای پول را اعلام کردند و گامی اساسی به سوی ایجاد پول واحد GCC برداشتند.

اهداف عمده تشکیل شورای همکاری خلیج فارس (GCC):

- ۱- تدوین قوانین واحد برای حوزه‌های مختلف اقتصادی، مالی، تجاری، گردشگری، امور گمرکی، مدیریت و قانونگذاری
- ۲- تسریع در روند پیشرفت‌های علمی و فناوری در بخش‌های صنعت و معدن، کشاورزی، آب و خدمات

- ۳- ایجاد مراکز علمی و پژوهشی
- ۴- انسجام و یکپارچه‌سازی حضور نیروهای نظامی در محدوده شبه جزیره
- ۵- تشویق همکاری‌های میان بخش خصوصی کشورهای عضو
- ۶- تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی میان مردم کشورهای GCC
- ۷- ایجاد پول واحد عربی

۱- بررسی وضعیت کنونی اقتصاد کشورهای GCC

طی سه دهه اخیر، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شامل با تحولات چشمگیر و بی‌سابقه‌ای از لحاظ اقتصادی و اجتماعی مواجه بوده‌اند. درآمد حاصل از صدور نفت در این کشورها عموماً برای بهبود و مدرنیزه کردن زیرساخت‌ها، ایجاد اشتغال و بهبود شاخص‌های توسعه انسانی مورد استفاده قرار گرفته است.

در این کشورها، شاخص امید به زندگی در رده سنی ۱۰ تا ۷۴ سال در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ افزایش یافته و نرخ باسوادی به میزان ۲۰ تا ۸۰ درصد طی همان دوره ارتقاء داشته است. میزان تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری این ۶ کشور در سال ۲۰۰۹ به حدود ۹۰۰ میلیارد دلار رسید و متوسط درآمد سرانه در کشورهای GCC در این سال حدود ۳۹۰۰۰ دلار بوده است. که از متوسط جهانی که ۱۰۵۰۰ دلار می‌باشد، بسیار بیشتر بوده است. لازم به توضیح است که درآمد سرانه ایران در سال ۲۰۰۹ معادل ۱۱۷۰۰ دلار بوده است.

کشورهای GCC، طی سال‌های اخیر سیاست‌های اصلاح و بهبود بازارهای پول، سرمایه، کار و کالا و خدمات را در پیش گرفتند تا از این طریق بتوانند رشد بخش‌های غیرنفتی را شتاب بیشتری بخشیده و در عین حال، آسیب‌پذیری ناشی از نوسانات قیمت نفت را کاهش دهند.

یکی از مهمترین ویژگی‌های کشورهای GCC که نقش مؤثری در اقتصاد آنها ایفا می‌کند، برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز و دارای بودن سهم قابل توجه از تولید و صادرات نفت و گاز جهان است.

کشورهای این کشورها در پایان سال ۲۰۰۹ در مجموع با ۴۹۵ میلیارد بشکه ذخایر نفت خام حدود ۳۷ درصد ذخایر تثبیت شده نفت جهان را دارا می‌باشند. این ۶ کشور با تولید روزانه بیش از ۱۷ میلیون بشکه نفت خام، ۲۱ درصد تولید نفت خام جهان را در اختیار دارند. (گزارش ماه ژوئن سال ۲۰۱۰ شرکت BP)

همچنین در پایان سال ۲۰۰۹ اعضای GCC با ۴۲ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز طبیعی حدود ۲۲ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان را نیز دارا هستند. اعضای این شورا با تولید روزانه حدود ۷۳۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی حدود ۸/۸ درصد تولید گاز طبیعی جهان را به خود اختصاص داده‌اند. (گزارش ماه ژوئن سال ۲۰۱۰ شرکت BP)

به طور متوسط طی دوره ۲۰ ساله ۲۰۰۷ - ۱۹۹۸، سهم نفت در GDP این کشورها حدود ۳۵ درصد و سهم درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز از درآمدهای ارزی حاصل از مجموع صادرات کالاها و خدمات و درآمدهای دولت به ترتیب حدود ۷۸ و ۶۸ درصد می‌باشد. (نمودار ۱)

طبق نمودار (۲) در جمع کشورهای GCC عمان، عربستان و قطر بیشترین وابستگی به درآمدهای نفتی را دارا بوده و امارات متحده عربی کمترین وابستگی را دارا می‌باشد.

در طول سه دهه گذشته نرخ تورم این کشورها بسیار پائین بوده است. بر اساس آخرین ارقام منتشر شده در سال ۲۰۰۹ متوسط نرخ تورم این ۶ کشور حدود ۲ درصد بود که در این سال نرخ تورم در ایران حدود ۲۵/۶ درصد بوده است.

رشد واقعی اقتصاد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس طی سه دهه اخیر بطور متوسط در هر سال حدود ۴ درصد بوده و در سال ۲۰۰۸ نیز متوسط نرخ رشد اقتصادی ۷/۷ درصد بوده است. در همین سال نرخ رشد اقتصادی ایران ۳/۶ درصد بوده است. این در حالی است که اهمیت فعالیت‌های اقتصادی غیرنفتی بطور پیوسته و مستمر رشد یافته که نشان‌دهنده فعالیت و تلاش این کشورها در متنوع سازی اقتصادشان بوده است.

این پیشرفت‌ها بواسطه یک سیستم تجاری و مبادلات باز و سرمایه‌گذاری‌های آزاد تحقق پیدا کرده است، این امر (آزادسازی) در رابطه با نیروی کار خارجی نیز صادق است و در نتیجه کشورهای عضو GCC به یک مرکز مهم رشد اقتصادی تبدیل شده‌اند.

در کشورهای GCC، از سیاست‌های پولی به عنوان ابزاری برای ثابت نگه داشتن نرخ ارز و کنترل نرخ تورم استفاده می‌شود و سیاست‌های مالی عمدتاً به عنوان ابزاری جهت تحقق سایر مسائل اقتصادی از جمله رشد، اشتغال و عدالت مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما نکته قابل ذکر در رابطه با این سیاست‌ها این است که در این کشورها، بدلیل وابستگی شدید درآمدهای دولت به عایدات پرنوسان حاصل از صادرات نفت، اعمال سیاست‌های مالی اجباری بوده است.

تکمیل پروژه‌های عمده زیرساختاری در این کشورها، نقش مخارج دولتی را در رشد بخش غیر نفتی کاهش داده است. بزرگ شدن بخش عمومی (دولتی) در این کشورها به این معنی است که با وجود رشد سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی، سهم این بخش در GDP نسبتاً پائین بوده است.

جدول ۱: شاخص‌های اقتصادی منتخب کشورهای GCC در سال ۲۰۰۹

کشورها	شاخص‌های اقتصادی	تولید ناخالص داخلی جاری (به میلیارد دلار آمریکا)	درآمد سرانه جاری (به دلار آمریکا)	جمعیت (به میلیون نفر)	نرخ رشد اقتصادی (درصد)	نرخ تورم (درصد)	نرخ بیکاری (درصد)	تجارت به تولید ناخالص داخلی (درصد)
بحرین	۱۹،۵	۲۷۰۰۰	۰/۷۴	۶/۳	۳	۵/۲	۱۲۷	
کویت	۱۱۶	۳۸۳۰۰	۲/۷۹	۸/۵	۴	۲/۲	۹۸	
عمان	۵۳	۲۵۱۰۰	۲/۹۷	۶/۴	۳/۵	۶/۴	۹۹	
قطر	۹۴	۸۳۸۴۰	۰/۸۴۱	۱۳/۴	-۴/۹	۰/۵	۱۰۱	
عربستان سعودی	۳۸۵	۲۳۲۰۰	۲۹/۲۱۰	۴/۴	۵/۱	۶/۲	۹۲	
امارات متحده عربی	۲۳۲	۳۶۵۰۰	۴/۹۷۵	۷/۴	۱/۵	۲/۴	۱۷۰	
کل GCC	۹۰۰	۳۹۰۰۰	۴۱/۵۲۰	۷/۷	۲	۳/۸	۱۱۴	

مأخذ: گزارش سال ۲۰۱۰ صندوق بین المللی پول و بانک جهانی

۲۳۰۰۰ دلار می‌باشد، این در حالی است که در قطر این رقم به ۸۳۰۰۰ دلار می‌رسد. همچنین ساختارهای اقتصادی کشورهای GCC و ترکیب صادرات آنها نیز با هم متفاوت است. در عربستان سعودی، بخش‌های تولیدی رشد بسیار زیادی دارند، در حالی که در امارات متحده عربی، فعالیت‌های تجاری رشد بسیار بالایی یافته‌اند. در بحرین، بخش بیمه و بانک مهمترین بخش محسوب می‌شود و تولید و صادرات گاز طبیعی نقش مهمی را در اقتصاد قطر ایفا می‌کند.

در عمان، استراتژی رشد بر توسعه منابع گاز طبیعی بنا نهاده شده است و صنعت توریسم در این کشور نوپا است. این روندها، نشان می‌دهند که رشد بخش غیرنفتی در سرتاسر کشورهای حوزه GCC متفاوت می‌باشد.

با اینکه کشورهای GCC در زمینه متنوع سازی اقتصاد کشورشان به پیشرفتهای قابل توجهی نایل شده‌اند، اما رشد بخش غیرنفتی در اغلب کشورهای یاد شده، در حد قابل توجه نمی‌باشد.

۲- عملکرد کشورهای GCC در زمینه کاهش وابستگی به نفت و برقراری امنیت اقتصادی

۶ کشور عضو GCC به منظور کاهش وابستگی به نفت و برقراری امنیت اقتصادی ۴ راهبرد کلان زیر را اتخاذ نمودند که عبارتند از:

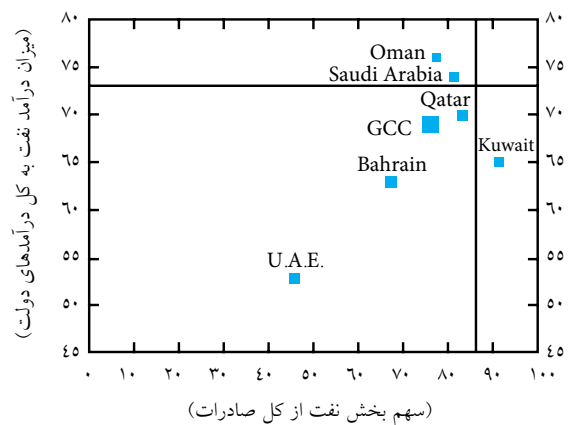
۱. اصلاح سیاست‌های پولی و مالی
۲. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۳. خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت
۴. اصلاح بازار نیروی کار

در هریک از کشورهای عضو، هریک از این راهبردها با سیاست‌های مختلفی به اجرا درآمده است که مجموعه این راهبردها و سیاست‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

۳- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کشورهای GCC از دو دهه گذشته تلاش‌های زیادی را جهت طی نمودن دوره گذار اقتصادی به منظور دستیابی به توسعه پایدار انجام داده‌اند. استانداردهای زندگی در این کشورها به طور مستمر در حال افزایش می‌باشد و تنها ضعف آنها وابستگی به درآمدهای پرنوسان نفت و رشد سریع جمعیت می‌باشد. کشورهای GCC نقش تعیین‌کننده‌ای در کمک‌رسانی به سایر کشورهای در حال توسعه منطقه از طریق حمایت‌های مالی، ایجاد فرصت‌های شغلی، حمایت از سیستم‌های تجارت آزاد و نرخ ارز شناور ایفا نموده‌اند. با این حال چالش‌های نوینی در حال ظهور است که نرخ فزاینده نیروی کار داخلی که نیازمند افزایش پایدار درآمدهای غیرنفتی، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و اصلاحات نهادی از

نمودار ۱: میزان وابستگی کشورهای عضو GCC به درآمدهای نفت و گاز (متوسط دوره ۲۰ ساله ۲۰۰۷ - ۱۹۹۸ به درصد)



منبع: گزارشات سالانه صندوق بین‌المللی پول
* درآمدهای دولت شامل درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و کل صادرات دربرگیرنده صادرات مجدد نیز می‌باشد.

در کشورهای عضو GCC ابزار نرخ ارز به عنوان اهرم برقراری تعادل بکار می‌رفت. به طوری که در اغلب این کشورها نرخ ارز بر اساس دلار آمریکا تعیین و در همان سطح تثبیت و یا به اصطلاح میخکوب می‌شد.

از آنجا که بخش عمده درآمدهای نفتی به دولت تعلق دارد، دولت‌های کشورهای GCC سیستم جامع تأمین رفاه اجتماعی را برای مردم خود تدوین و به اجرا درآورده‌اند. خدمات دولتی در بسیاری از کشورهای GCC رایگان یا به دلیل پرداخت یارانه با قیمت‌های بسیار نازل ارائه می‌شود که از موارد بارز آن می‌توان به آب و برق اشاره نمود.

همچنین در این کشورها نرخ مالیات بر تولیدات داخلی غیر نفتی پایین است و بخش عمده درآمدهای مالیاتی متعلق به مالیات شرکت‌های خارجی است. تنها استثنا در این میان کشور عمان است که در آن از شرکتهای داخلی به اندازه شرکتهای خارجی فعال در این کشور مالیات اخذ می‌شود. طی سال‌های گذشته برخی از کشورهای GCC با کسری مالی مواجه شده‌اند که نتیجه نوسانات قیمت نفت و رشد هزینه‌های دولت می‌باشد. در نظام بانکی کشورهای GCC سیستم نظارتی بسیار دقیقی حاکم است و تقریباً تمامی بانک‌ها به خوبی تجهیز شده و از سوددهی بالایی برخوردارند. طی سال‌های اخیر شبکه بانکی کشورهای GCC به لحاظ هماهنگی با نظام پیشرفته بانکی کشورهای توسعه یافته و پیاده کردن استانداردهای نوین بانکی و اتخاذ سیاست‌های پولی مبتنی بر اقتصاد بازار پیشرفته‌های چشمگیری داشته است.

با این حال، تفاوت‌های عمده‌ای بین خود این کشورها (کشورهای GCC) وجود دارد. درآمد سرانه در عمان به میزان

جدول ۲: بررسی راهبردها و سیاست‌های کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) جهت رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی

کشورها	راهبردها	اصلاح سیاست‌های پولی و مالی	تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	خصوصی‌سازی و اصلاح ساختار اداری	اصلاح بازار نیروی کار
بحرین	۱. انتشار اولین قانون برای فعالیت موسسات مالی اسلامی. ۲. بهبود مقررات بانکداری اسلامی و تصویب قانون ضد پول شویی در سال ۲۰۰۱ ۳. تنظیم مقررات بازار بورس بحرین	۱. صدور مجوز افزایش قیضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد. ۲. کاهش نرخ مالیات از ۵۵ به ۲۵ درصد ۳. ایجاد اداره سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به منظور هدایت فعالیت شرکت‌های خارجی	۱. تسهیل قوانین برای بنگاه‌های کشورهای غیرعضو جهت تملک ساختمان و زمین ۲. اجازه تملک شرکت‌ها جهت افزایش قیضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد بجز برخی از بخش‌های استراتژیک نظیر بخش نفت و صنعت آلومینیوم	۱. واگذاری شرکت حمل و نقل عمومی و خدمات گردشگری به بخش خصوصی و آزادسازی بخش‌های ارتباطات و خدمات پستی	۱. توسعه استراتژی اشتغال ملی ۲. اعطای بارانه برای آموزش نیروی کار در بخش خصوصی و کمک‌های مالی به بیکاران
کویت	۱. اصلاح مقررات سرمایه‌گذاری‌های خارجی که به خارجیان اجازه مالکیت و مبادله سهام شرکت‌های خود در بورس را می‌دهد.	۱. صدور مجوز افزایش قیضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد. ۲. کاهش نرخ مالیات از ۵۵ به ۲۵ درصد ۳. ایجاد اداره سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به منظور هدایت فعالیت شرکت‌های خارجی	۱. تسهیل قوانین برای بنگاه‌های کشورهای غیرعضو جهت تملک ساختمان و زمین ۲. اجازه تملک شرکت‌ها جهت افزایش قیضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد بجز برخی از بخش‌های استراتژیک نظیر بخش نفت و صنعت آلومینیوم	۱. تصویب قانون خصوصی‌سازی توسط کمیسیون امور مالی مجلس ۲. واگذاری شرکت‌های دولتی در ۶۲ بخش اقتصادی تحت اداره دولت	۱. اجرای برنامه اصلاح ساختار نیروی انسانی ۲. اعطای تسهیلات مالی به بیکاران و ارایه آموزش‌های کاربردی
عمان	۱. توسعه تسهیلات مالکیت مجدد بسوی بازارهای بین بانکی ۲. اجرای یک قانون بازار سرمایه جهت سازماندهی بازار اوراق بهادار مسقط	۱. صدور مجوز افزایش قیضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد در اغلب بخش‌های اقتصادی ۲. کاهش نرخ مالیات بر درآمد از ۱۵ تا ۵۰ درصد به ۵ تا ۳۰ درصد ۳. آغاز به کار شرکت‌های خارجی با مالکیت ۱۰۰ درصد در بخش خدمات	۱. تسهیل قوانین برای بنگاه‌های کشورهای غیرعضو جهت تملک ساختمان و زمین ۲. اجازه تملک شرکت‌ها جهت افزایش قیضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد بجز برخی از بخش‌های استراتژیک نظیر بخش نفت و صنعت آلومینیوم	۱. شروع خصوصی‌سازی از بخش انرژی از طریق واگذاری نیروگاه‌ها ۲. ساخت سه نیروگاه توسط سرمایه‌گذاران خارجی ۳. خصوصی‌سازی مدیریت خدمات فرودگاهی، شبکه آب‌رسانی، فاضلاب، خدمات پستی و ارتباطات	۱. تعیین حداقل دستمزد برای کلیه افراد تبعه عمان ۲. ایجاد حداقل دستمزد قبلی تعیین شده ۳. تأسیس وزارت جدید نیروی کار عمان در سال ۲۰۰۲ و تصویب قانون جدید نیروی کار در ماه می سال ۲۰۰۳
قطر	۱. حذف سقف بهره سپرده‌های بانکی داخلی در فوریه سال ۲۰۰۱ ۲. تقویت نظارت بانک مرکزی بر نظام بانکی	۱. صدور مجوز افزایش قیضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد در اغلب بخش‌های اقتصادی ۲. کاهش نرخ مالیات بر درآمد از ۱۵ تا ۵۰ درصد به ۵ تا ۳۰ درصد ۳. آغاز به کار شرکت‌های خارجی با مالکیت ۱۰۰ درصد در بخش خدمات	۱. تسهیل قوانین برای بنگاه‌های کشورهای غیرعضو جهت تملک ساختمان و زمین ۲. اجازه تملک شرکت‌ها جهت افزایش قیضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد بجز برخی از بخش‌های استراتژیک نظیر بخش نفت و صنعت آلومینیوم	۱. واگذاری بخشی از شرکت‌های فعال در بخش ارتباطات تا پایان سال ۱۹۹۸ ۲. فروش نیروگاه‌ها و شرکت‌های دولتی فعال در بخش برق و آب	۱. ارائه خدمات مشاوره آموزش و اطلاع‌رسانی رایگان به دانش‌آموختگان جوانه کار ۲. ایجاد وزارت خدمات شهری جهت حمایت از افراد جویای کار
عربستان سعودی	۱. صدور مجوز برای خارجیان جهت مبادله سهام در بازار اوراق بهادار از طریق صندوقهای سرمایه‌گذاری با سرمایه متغیر ۲. تصویب قانون جدید برای بازار سرمایه جهت تقویت بازارهای مالی و جلوگیری از پول‌شویی	۱. صدور مجوز افزایش قیضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد در اغلب بخش‌های اقتصادی ۲. کاهش نرخ مالیات بر درآمد از ۱۵ تا ۵۰ درصد به ۵ تا ۳۰ درصد ۳. آغاز به کار شرکت‌های خارجی با مالکیت ۱۰۰ درصد در بخش خدمات	۱. تسهیل قوانین برای بنگاه‌های کشورهای غیرعضو جهت تملک ساختمان و زمین ۲. اجازه تملک شرکت‌ها جهت افزایش قیضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد بجز برخی از بخش‌های استراتژیک نظیر بخش نفت و صنعت آلومینیوم	۱. تدوین استراتژی جدید خصوصی‌سازی در ژوئن ۲۰۰۲ جهت واگذاری ۲۰۰ بخش از جمله ارتباطات، برق، پارکهای صنعتی، خدمات پستی، آب، راه‌آهن، آموزش و پرورش و خدمات حمل و نقل هوایی به بخش خصوصی ۲. واگذاری ۳۰ درصد شرکت‌های دولتی فعال در بخش ارتباطات	۱. ایجاد صندوق توسعه نیروی انسانی با مشارکت بخش خصوصی به منظور آموزش نیروی کار در حرفه‌های مورد نیاز بخش خصوصی ۲. توسعه بانک اطلاعات شاغلان بخش خصوصی
امارات متحده عربی	۱. ایجاد بازار بورس رسمی در سال ۲۰۰۰ و تصویب قانون جدید برای اوراق بهادار برای پیشگیری از نوسانات احتمالی بازار سرمایه نظیر بحران سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ ۲. تصویب قانون ضد پول‌شویی و مبارزه با تامین مالی تروریسم در ژانویه سال ۲۰۰۲	۱. صدور مجوز افزایش قیضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد در اغلب بخش‌های اقتصادی ۲. کاهش نرخ مالیات بر درآمد از ۱۵ تا ۵۰ درصد به ۵ تا ۳۰ درصد ۳. آغاز به کار شرکت‌های خارجی با مالکیت ۱۰۰ درصد در بخش خدمات	۱. تسهیل قوانین برای بنگاه‌های کشورهای غیرعضو جهت تملک ساختمان و زمین ۲. اجازه تملک شرکت‌ها جهت افزایش قیضه مالکیت از ۴۹ به ۱۰۰ درصد بجز برخی از بخش‌های استراتژیک نظیر بخش نفت و صنعت آلومینیوم	۱. تشویق خصوصی‌سازی خدمات رفاهی از طریق قراردادهای مشارکت در تولید با سرمایه‌گذاران خارجی و فروش برخی از دارایی‌های موجود	۱. تأسیس مؤسسه اشتغال و توسعه نیروی انسانی ملی جهت بهبود سطح مهارت‌های افراد جویای کار ۲. ایجاد بانک اطلاعات نیروی کار

نزدیک آنها در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

آن جمله‌اند. همزمان، کاهش آسیب‌پذیری ناشی از درآمدهای پرنوسان نفتی نیازمند اتخاذ یک سیاست مالی دقیق و مستحکم و تقویت روند اصلاحات ساختاری در جهت تنوع بخشیدن به درآمدهای ملی است. علاوه بر این، رشد مستمر اقتصادی برای تجدید حیات اقتصاد کشورهای GCC امری ضروری می‌باشد. براین اساس سیاست‌گذاران و مقامات ذیربط همواره در پی تدوین استراتژی‌هایی جهت اصلاحات فراگیر از طریق تثبیت مالی برای فائق آمدن بر این چالش‌ها بوده‌اند.

- راهکارهای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) برای رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی و برقراری امنیت اقتصادی عبارتند از:
- اصلاح ساختار بودجه، بهبود شرایط قیضه مالکیت و اصلاح نظام مالیاتی
 - ایجاد بسترهای حقوقی و قانونی موردنیاز برای توسعه بخش خصوصی
 - آزادسازی جریان نقل و انتقال سرمایه‌های خارجی
 - اصلاح بازار نیروی کار و الزامات قانونی مورد نیاز آن
 - همگرایی سیاست‌های اقتصادی کشورهای عضو و همکاری

۴- فهرست منابع

- International Money Fund, ۲۰۱۰ Statistical Review
- World Bank, ۲۰۱۰ Statistical Review
- CIA Country Report, ۲۰۱۰
- BP Statistical Report, June ۲۰۱۰
- Barnett, Steven, and Rolando Ossowski, ۲۰۰۲, "Operational Aspects of Fiscal Policy in Oil-Producing Countries," IMF Working Paper ۱۷۷/۲ (Washington: International Monetary Fund).
- Fasano, Ugo, ۲۰۰۱a, "With Limited Oil Resources, Oman Faces Challenges of Economic Diversification, Structural Reforms," IMF Survey (July ۳۰), pp. ۵۷-۲۵۴.
- , ۲۰۰۱b, "Sluggish Growth, Declining Oil Resources Prompt Qatar to Diversify Economy Away from Oil," IMF Survey (November ۲۶), pp. ۸۴-۳۸۲.
- , ۲۰۰۲a, "With Open Economy and Sound Policies, the U.A.E. Has Turned Oil 'Curse' into a Blessing," IMF Survey (October ۲۱), pp. ۳۲-۳۳۰.
- Fasano, Ugo, and others, ۲۰۰۳, Monetary Union Among Member Countries of the Gulf Cooperation Council, IMF Occasional Paper No. ۲۲۱ (Washington: International Monetary Fund).
- Fasano, Ugo, and Qing Wang, ۲۰۰۱, "Fiscal Expenditure Policy and Non-Oil Economic Growth: Evidence from GCC Countries," IMF Working Paper ۱۹۵/۱ (Washington: International Monetary Fund).
- Goyal, Rishi, ۲۰۰۳, "Non-Oil Growth, Competitiveness, and the Labor Market," in United Arab Emirates: Selected Issues and Statistical Appendix, IMF Country Report, No. ۶۷/۰۳ (Washington: International Monetary Fund), pp. ۵۸-۴۱.